

منطقه کلان شهری و بازتاب فضایی آن مورد تهران

دکتر اصغر نظریان

استاد گروه جغرافیای دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده

افزایش جمعیت شهری و عوارض ناشی از آن در حال حاضر یکی از دشواری‌ها و مشکلاتی است که در سطح جهانی ملی و منطقه‌ای اذهان عمومی را به خود مشغول داشته است. در این میان پیدایش کلان شهرها در کشورهای مختلف و رشد بی‌رویه تهران در کشور ما موجبات تغییر در نظام شهری را فراهم آورده است. توسعه و گسترش فضایی تهران علاوه بر پیدایش کوی‌ها، محلات، شهرک‌های جدید، هسته‌های جمعیتی کوچکی را نیز که از ۳۵ سال پیش به صورت قریه و آبادی شکل یافته بودند با پذیرش مهاجرین جدید به صورت قطب‌های متمرکز جمعیتی درآورده است. بدین ترتیب نظم فضایی خاصی که از سال‌های قبل از ۱۳۳۵ در تهران و فضای پیرامونی شکل گرفته بود در جریان یک سلسله تحولات اقتصادی- اجتماعی و سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای دگرگون و ضمن توسعه فضایی مقر شهری به سازماندهی فضای پیرامونی و مناطق اطراف منجر شده است. روند این تحولات موجب پیدایش شکل تازه‌ای از سازماندهی فضایی گردیده که امروزه اصطلاحاً «منطقه شهری»، «مجموعه شهری» یا «منظومه شهری» نامیده می‌شود.

واژگان کلیدی: منطقه شهری، متروپل تهران، مجموعه شهری، گسترش فضایی.

مقدمه

امروز هیچ کانون جمعیتی به‌طور مستقل وجود ندارد و تمام تغییرات داخلی جوامع انسانی از تعلق به مجموعه‌هایی که برحسب مورد اصطلاح «فضای جغرافیایی»، «سیستم» یا «شبکه» به آن‌ها اطلاق می‌شود ناشی می‌گردد. در واقع این سیستم‌ها هستند که جریان‌ات اساسی مثل فعل و انفعالات اقتصادی یا رفتارهای جمعی و مخصوصاً جاذبه‌های دموگرافیک را بر شهر تحمیل می‌کنند. این نیروها که اکثراً برون‌زا هستند در سطوح متفاوتی عمل میکنند. گاهی ممکن است تأثیر آن‌ها در چارچوب ناحیه‌ای و منطقه‌ای اهمیت داشته باشد (مثل جریان‌ات مهاجرتی) و گاهی ممکن است دایره عمل پدیده‌تر باشد مثل تکنولوژی‌های جدید در حمل و نقل یا ساختمان‌سازی. بدیهی است که کانون‌های جمعیتی برخورد نیروهای خارجی را به‌طور ایستا و غیرفعال تحمل نمی‌کنند. این نیروها برحسب نهادهای موجود در درون متروپل‌های بزرگ تجزیه و با عوامل درونی ترکیب و موجبات نوآوری‌های و ارتباط متقابل با خارج را فراهم می‌آورند. در حقیقت متروپل‌ها و شهرهای بزرگ یک صحنه عمل کاملاً باز بدون فعل و انفعالات مؤثر برای نیروهای برون‌زا نیست، بلکه بر مبنای آنچه که دریافت کرده و برحسب ترکیبات و محتوای نقش شهر، پویایی و تحولات فضایی را ایجاد می‌نماید (کلود، شالین، ۱۹۷۳، ص ۱۶-۱۹). این جریان‌ات و پویایی نه تنها از شرایط مخصوص داخلی بلکه از عوامل و شرایط جهانی ناحیه‌ای - منطقه‌ای و ملی نیز تبعیت می‌کنند و نهایتاً به پیدایش کلان‌شهرها و متروپل‌های ملی و منطقه‌ای منجر می‌گردد.

در این راستا در نیم قرن اخیر آنچه در سیاست‌های جمعیتی و گسترش فضایی شهرها بیشترین مباحث را برانگیخته است، رشد سریع جمعیت و تمرکز فزاینده آن در یک یا چند نقطه شهری است. بازتاب آن ابتدا در یک گسترش فضایی پیوسته و امروزه در گسترش ناپیوسته تحقق پیدا کرده است. به دنبال کشورهای غربی که به سرعت به چاره‌جویی این معضل پرداختند سایر کشورها این پدیده را در اشکال متنوع تجربه کردند. کره جنوبی، فیلیپین، مصر، بنگلادش، مکزیک، هند و از جمله ایران نمونه‌ای بارز از این کشورها هستند. این تمرکز جمعیت با تمرکز اقتصادی شدید در این شهرها همراه بود. در اغلب کشورها پایتخت مکان اصلی تمرکز صنعت و سرمایه بوده و باقی سرزمینی، نواحی حاشیه‌ای یا پیرامونی را تشکیل می‌دهد. مراکز معمولاً سهم اصلی جمعیت، صنایع، خدمات گرهگاه‌های اصلی شبکه حمل و نقل و مقر حکومتی را در اختیار دارند. این مسأله ضمن این که تعادل و جهات ملی را به خطر می‌اندازد دست‌اندازی به نواحی پیرامونی کلان‌شهرها را نیز موجب گشته و پیدایش مجموعه‌هایی از شهر مرکزی، شهرها و شهرک‌ها و کوی‌های پیرامونی را نیز فراهم می‌آورد. در پی این شرایط، اثر مکنده مرکز نقل، امکانات بخش‌های پیرامونی سرزمینی و فضاهای اطراف را به خود جذب نموده و پیرامون را از مجموعه قابلیت‌هایی که بستری برای رشد اقتصادی تلقی می‌شوند محروم می‌سازد. (همان، صص ۲۲-۲۰)

روستاهای پیرامونی در این رابطه نقش اساسی دارند همبستگی و هم‌کنشی شهرها با روستاهای مستقر در یک منطقه امری بدیهی است. هیچ شهری به‌ویژه کلان‌شهر یا متروپلی وجود ندارد که منحصرأ با اتکا به منابع درون محدوده خود قادر به ادامه حیات باشد. در واقع شهر پدیده‌ای بوم‌شناسانه (اکولوژیک) است و به نسبت فاصله فیزیکی و روانشناسانه شهروندان از منابعی که باعث بقای آن‌هاست و این وجه که شهر

جزیبی از اکوسیستم بزرگ تری و وابسته به پایداری منطقه خاص حیاتش می باشد نباید نادیده گرفته شود. علاوه بر این، طرح مسأله‌ای با اهمیت جهانی تحت عنوان «توسعه پایدار» در لزوم ارزیابی دوباره از متروپل‌ها و کلان شهر و چاره‌جویی ناپایداری آن در سطح منطقه‌ای وسیع تر جای تردید باقی نگذاشته است. امروز شهرها ضمن شکل پذیری از ناحیه جغرافیایی خود به شکل دهی و سازمان بخشی روستاها و فضاهای پیرامونی خود می پردازند. شهرها همه روستاها و حوزه‌های کشاورزی اطراف خود را کنترل می کنند و گاهی این اثربخشی تا بدان حد می رسد که سازمان اقتصادی و مورفولوژی همه مراکز صنعتی زیر نفوذ عوامل شهری قرار می گیرد. از این رو جدا از مسائل ملی و منطقه‌ای ملاحظه می کنیم که بین خصیصه‌های یک ناحیه و شهر بزرگ تر یک نوع وابستگی و پیوستگی داخلی و دایمی وجود دارد و این امر وابستگی در همه زوایای ناحیه ریشه دوانده است. (نظریان، ۱۳۷۳)

جدا از وابستگی بوم شناسانه و روابط تنگاتنگ شهر و روستا از زاویه دیگری نیز باید به مسأله نگریست. اگرچه کلان شهرها گرانیگاه مجموعه فعالیت و جمعیت آن است، اما روابط متقابل فعالیت‌ها و مراکز جمعیتی بر سطحی گسترده تر اثر گذاشته که در جریان حمل و نقل و تحولات کاربری زمین نیز مشاهده می شود. طیف این اثرگذاری و تأثیرپذیری با تراکم و بزرگی مراکز جمعیتی تشدید شده و با پراکندگی و کوچکی مراکز جمعیتی تضعیف می گردد. در واقع به تدریج با رشد کلان شهرها جمعیت و فعالیت بیشتری به استقرار در خارج از کلان شهر گرایش پیدا می کنند. برخی از فعالیت‌ها به نسبت زمین بر بودن و برخی به سبب کارایی و وابستگی‌های مکانی به حومه شهرهای بزرگ منتقل شده و یا در آن جا احداث می شوند. گروهی از ساکنین شهر نیز گاه برای کمیت و کیفیت بهتر زندگی به حومه‌نشینی (Suburbanisation) پرداخته و گاه برای ساختن حداقل مسکن در استطاعت، به حاشیه‌نشینی روی می آورند. (فرید، ۱۳۶۸، ص ۱۸۲-۲۰۷)

۱- تفکر نظری و فرضیات

ظهور پدیده شهرنشینی شتابان و پیدایش شهرهای بزرگ و غول آسا و توجه به مقام و جایگاه فرهنگی و زندگی اجتماعی شهرها نظریه‌های مختلفی را در توسعه شهری مطرح کرده است. کلان شهرها در جهان رشد شتابانی داشته و خواهند داشت و اثرات آن‌ها بیش از همه در منطقه و حوزه نفوذشان تعیین کننده است. رشد کالبدی در منطقه کلان شهری در مسیر اندام‌وار (ارگانیک) نبوده و نیاز به هدایت و کنترل دارد. رشد خود برانگیخته پیامدهای حساب نشده‌ای را نیز در پی خواهد داشت.

در پی چنین مسائل، تحولات و رشد بی و شتابان می توان فرضیاتی را مطرح کرد:

- ۱- در مقیاس جهانی، شهرها در گذشته معیارهای مطلوب توسعه تمدن و فرهنگ‌ها را در خود پروراندند و بارور کرده‌اند ولی امروز با افزایش انفجاری جمعیت، شهرها برخلاف توسعه و مدنیت گام برمی دارند.
- ۲- در سطوح ملی پیدایش کلان شهری و خزش شهر در حومه و گرایش به گسترش جمعیت و فعالیت در منطقه کلان شهری در کشورهای مختلف، ابعاد و اشکال متفاوتی را به وجود آورده‌اند.
- ۳- الگوی توسعه آتی منطقه کلان شهر تهران در بستر محیط طبیعی و انسانی، ساخت موجود و بر شالوده اولویت‌ها و با توجه به امکان پذیری و توان اجرایی تأمین می شود و متأثر از جریان‌ات متفاوت از کشورهای توسعه یافته بوده و تشابه نسبی با شهرهای در حال توسعه دارد.

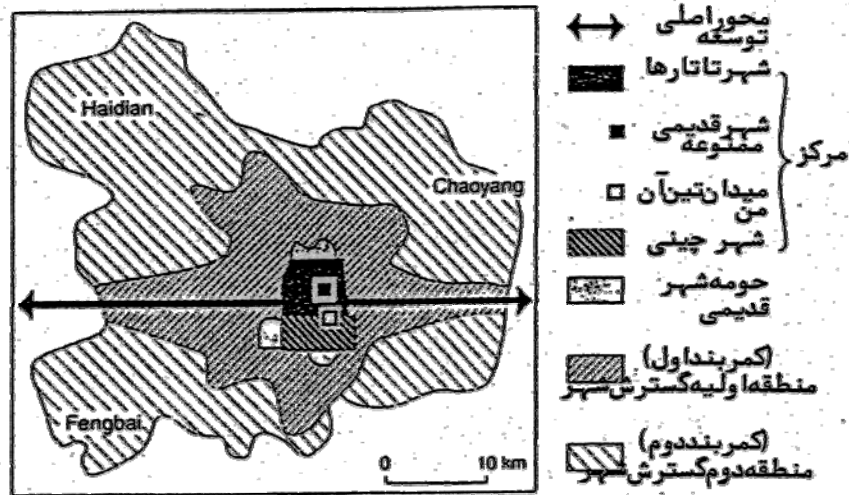
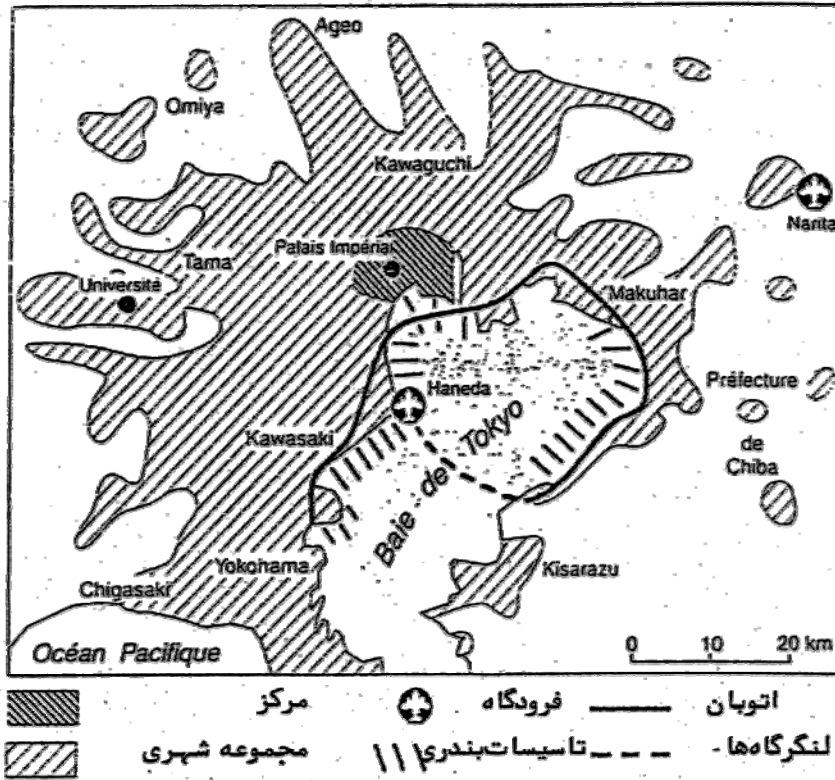
۲- بازتاب‌های فضایی منطقه کلان‌شهری

در اوایل قرن بیستم در کشورهای اروپایی و در نیم‌قرن اخیر در کشور ما فراگیرشدن استفاده از خودروی شخصی، در پراکندگی جمعیت و گریز از مرکز شهر تحولاتی به وجود آورده است. در دهه‌های اخیر پیشرفت‌های حیرت‌انگیز فناوری ارتباطی - رایانه‌ای به کاهش شدید فواصل زمانی و تقلیل اهمیت فاصله فیزیکی مراکز انجامیده است. هم‌چنین برخلاف صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس، تجمع‌های کوچک تری از جمعیت فراهم شده است. این‌ها در مجموع، شرایطی به‌وجود آورده‌اند که استقرار فعالیت‌های با تکنولوژی سطح بالا، فارغ از وابستگی مستقیم به هسته کلان‌شهری در پیرامون و محورهای ارتباطی را آسان نموده‌اند. بدیهی است پیدایش مفهوم تازه‌ای به نام «منطقه شهری» یا «کلان‌شهری» با همبستگی بوم‌شناسانه، هم‌کنشی مجموعه مراکز زیست و فعالیت، خزش شهری در حومه و گرایش به گسترش جمعیت و فعالیت در منطقه کلان‌شهری با دیدگاه‌ها و چشم‌اندازهای جدید معنی پیدا می‌کنند. در حقیقت جریان تازه‌ای شکل می‌گیرد که به واگرایی یا شهرگریزی معروف است. بازتاب پیدایش منطقه کلان‌شهری و رشد خود برانگیخته این شهرها به صورت مختلف ظاهر می‌گردد. (نظریان ۱۳۸۰)

۳- اشکال توسعه کالبدی کلان‌شهرها

اشغال زمین شهری را در جریان زمان در الگوهای دینامیکی مختلف می‌توان نشان داد. این روش را اولین بار وان‌تونن روی اراضی روستایی معمول داشته و از سال ۱۹۲۰ به این طرف در ایالات متحده آمریکا، سپس در فرانسه، نظر جامعه‌شناسان به نحوه اشغال زمین و بافت اکولوژیک شهرها جلب شده است و نظریه‌های ساخت شهر اعلام شده است. در میان این نظریه‌ها، نظریه دوایر متحدالمرکز ارنست برگس، ساخت قطاعی شهر هم‌هویت و نظریه ساخت چندهسته «ادوارد اولمن» و «چانسی هاریس» از همه معروف‌تر است هر چقدر شهرها به توسعه دست زده‌اند و از یک توسعه پیوسته به توسعه ناپیوسته روی آورده‌اند و شهرها به گسترش فضایی رسیده‌اند نظریات دیگری نیز در این رابطه اعلام شده است. در حقیقت شهرها تحت‌تأثیر توسعه اقتصادی، اجتماعی و ابعاد جمعیتی در جریان تحولات تکنیکی و فنی به سرزمین‌های پیرامونی دست‌اندازی کرده و کلان‌شهرها و مجموعه شهرهای کم و بیش بزرگ، بزرگ‌تر و یا منظومه‌های متفاوتی را به وجود آوردند. در این راستا می‌توان به ساخت ستاره‌ای شهرها، ساخت خطی، شعاعی، گسترده، شهر در مدل کهکشان، اقماری، شهر در مدل حلقه‌ای، شهر در مدل متمرکز و شهر در مدل شبکه‌های محوری اشاره کرد. نهایتاً این که کلان‌شهرها در توسعه فضایی و دست‌اندازی به فضاها پیرامونی و روستاهای اطراف و پیوند با شهرهای بزرگ و کوچک نزدیک به خوداشکالی از شبکه شهری در محدوده کلان‌شهری یا منطقه شهری را به‌وجود می‌آورند که می‌تواند اشکال توسعه کالبدی کلان‌شهری و محورهای شهری را بازگو کند. (شکل ۱ شبکه و سیستم منطقه شهری کلان‌شهرهای پکن و توکیو را نشان می‌دهد. PAULET, J 2000)

در چارچوب الگوهایی که برشمردیم و در مکاتب مختلف جغرافیایی و شهرسازی مورد توجه قرار گرفته‌اند. با توجه به تنوع مدل‌ها و اشکال توسعه کالبدی شهرها در مورد منطقه کلان‌شهری در کل می‌توان به‌طور خلاصه ۶ مدل زیر را معرفی کرد (شکل ۲ مجموعه شهری تهران ۱۳۷۹):

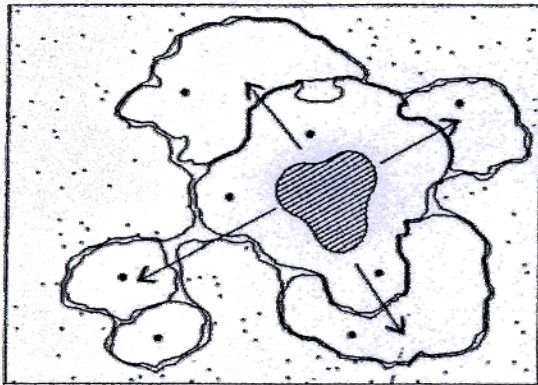


پکن

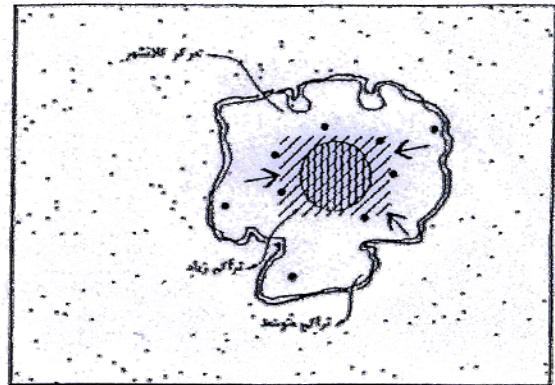
PAULET-J2000

ماخذ :

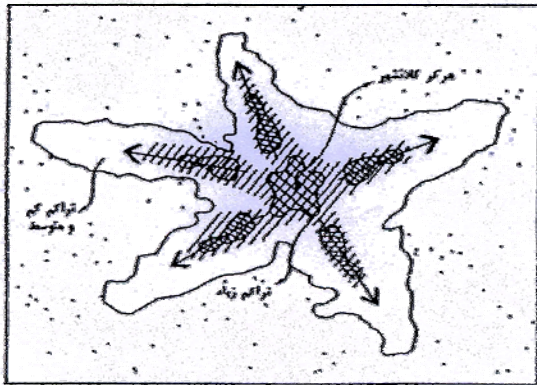
شکل ۴ - کلان شهرهای توکیو و پکن



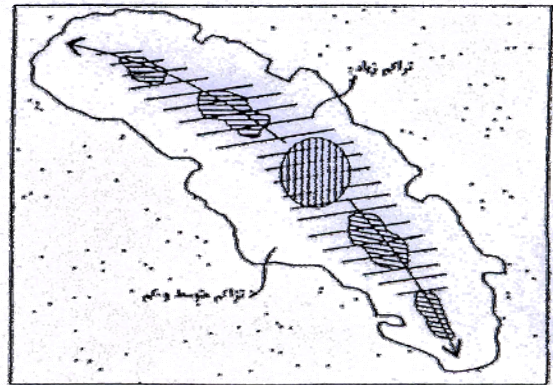
۲- پراکندگی و رشد خرد به خرد



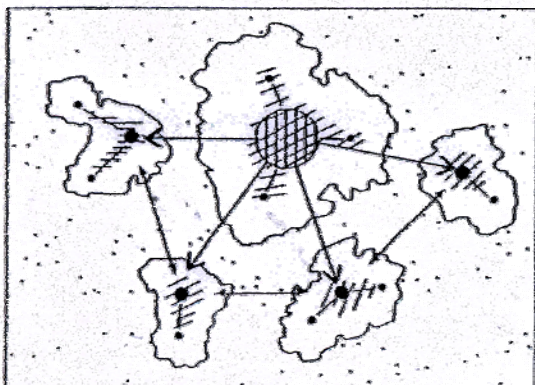
۱- تک‌مرکزی و متمرکز



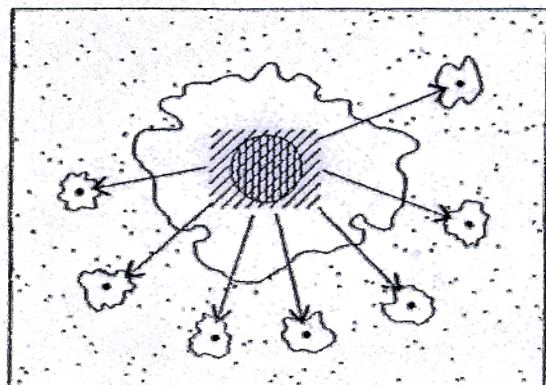
۴- شعاعی و پنجه مانند



۳- خطی و دالان شهری



۶- چند مرکزی و متاومه ای



۵- اقماری و غیر متمرکز

ماخذ: طرح مجموعه شهری تهران-میانی تئوریک ۱۳۷۹

نمودار ۲- اشکال توسعه کالبدی منطقه کلان‌شهری

مدل تک مرکزی متمرکز
مدل پراکنده و رشد تدریجی
مدل توسعه خطی
مدل شعاعی و پنجه‌ای
مدل رشد چند هسته‌ای
مدل منظومه‌ای و چند مرکزی

۴- کلان شهر تهران - متروپل ملی

در سطح ملی افزایش جمعیت شهری و عوارض مختلف آن در حال حاضر یکی از دشواری‌ها و مشکلات در کشور ماست در این میان رشد بی‌رویه شهر تهران و افزایش جمعیت آن بیش از همه موجب این مشکلات و تغییرات در نظام شهری ایران شده است. توسعه و گسترش فضایی شهر تهران علاوه بر پیدایش کوی‌ها، محلات و شهرک‌های جدید هسته‌های جمعیتی کوچکی را نیز که از ۲۵ سال پیش به صورت قریه و آبادی شکل یافته بودند با پذیرش مهاجرین جدید به صورت قطب‌های متمرکز جمعیتی درآورده است. (نظریان، ۱۳۶۸)

بدین ترتیب نظم فضایی خاصی که از سال‌های قبل از ۱۳۳۵ در تهران و فضاهای پیرامونی و مناطق اطراف آن شکل گرفته بود در جریان یک سلسله تحولات اقتصادی - اجتماعی و سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای دگرگون و ضمن توسعه فضایی مقر شهری به سازماندهی فضای پیرامونی و مناطق اطراف نیز منجر شده است.

در ابتدا شهر تهران در جهت عمده پیوند با شهر ری و شمیران (شمالی - جنوبی) به صورت مجموعه شهرهای پیوسته کوچکی درآمد که سرانجام با از دست رفتن هویت‌های مجزای آن‌ها کلان شهری یک پارچه شد. با شروع دهه ۱۳۴۰ امکان رشد شتابان جمعیت به جهات شرق - غرب و ایجاد حومه‌های پیوسته فراهم گشت.

اولین طرح جامع کلان شهر تهران در نیمه دوم این دهه گسترش غالب را به سوی غرب دید که در نهایت می‌توانست مدل خطی و دالان شهری در سطح تهران را تداعی نماید. از دهه ۱۳۵۰ به بعد رشد خودانگیخته‌ای در هلال جنوبی تهران شدت یافت و گسترش‌های چشم‌گیری در امتداد محورهای اصلی ارتباطی تهران با کشور شکل گرفت که با شباهت مدل شعاعی و پنجه‌ای مانند را در سطح کلان شهر تهران به بار آورد. (چکیده طرح جامع تهران، ۱۳۷۷)

البته در این شکل‌گیری محورهای مراکز سکونت در امتداد شرقی - غربی، در اساس، ویژگی حومه‌نشینی و اشکال رسمی داشته ولی در امتدادهای جنوب شرقی - جنوب غربی عمدتاً ویژگی حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی پیدا کرده است. هم‌چنین مراکز فعالیت برای محورهای شرقی و غربی اغلب تخصصی‌تر و در بخش رسمی بوده و در امتدادهای جنوبی سهم غیررسمی بیشتر بوده است.

حاصل جریانات فوق در حال حاضر در درجه اول پیدایش یک منطقه شهری متشکل از تهران و ۴۷

نقطه شهری دارای شهرداری و ۱۳ شهرستان در محدوده استان تهران در حوزه نفوذ و جاذبه شهر تهران بزرگ بود که اساساً مجموعه شهری در مقیاس منطقه‌ای و منظومه شهری را در مقیاس ملی به وجود آورده است (وزارت کشور، ۱۳۸۳).

روند این تحولات از زمانی که مقر شهر تهران در برخورد با جوامع روستایی و تصرف اراضی اطراف باعث پیدایش کوی‌ها، مجتمع‌های مسکونی و شهرک‌ها و نظم فضایی جدیدی شده است نهایتاً به پیدایش شبکه‌ای از شهرهای پیرامونی و اقماری در کلان‌شهر تهران منجر شده است.

در طول این تحول و گسترش ۳۰ ساله (۴۰ تا ۷۰) حدود ۱۰۸ روستا در داخل محدوده ۲۵ ساله تهران ادغام و در آن حل شدند ولی مجموعه آبادی‌هایی که خارج از این فضا قرار داشتند نیز از اثرات این دگرگونی برکنار نماندند. در این مدت ۶۰ شهرک جدید در محدوده ۲۵ ساله تهران ایجاد شد. به علاوه ده‌ها شهرک بزرگ و کوچک و بعضی از آن‌ها با جمعیت خیلی بیشتر در خارج از محدوده ۲۵ ساله و در داخل حوزه استحفاظی به وجود آمدند. بدین ترتیب شهر شش میلیون نفری تهران (۱۳۶۵) در داخل مجموعه ای از این شهرهای بزرگ و کوچک منطقه‌ای و آبادی‌های مختلف و وابسته به آن شکل گرفت که جمعیت اغلب آن‌ها با جذب مهاجرین و توسعه کشاورزی وابسته به تأمین نیازهای تهران در حال افزایش بود. در دهه اخیر روند تحولات و گسترش، سرعت گرفته و این بار به جای ادغام نواحی روستایی در فضای شهری و مناطق پیرامونی امواج توسعه شهری و فعالیت‌ها و جمعیت تهران در سکونت‌گاه‌های پیرامون به صورت اسکان غیررسمی تحقق پیدا کرده است.

در طول سه دهه اخیر توسعه منطقه شهری تابع هیچ نوع سیاست و راهبرد و برنامه جامع با هدف هدایت و کنترل توسعه هماهنگ کل منطقه نبوده و عمدتاً حاصل اسکان غیررسمی گروه‌های کم درآمد در اراضی حاشیه و اطراف آبادی‌ها و شهرها و راه‌های اصلی منطقه بوده است. بزرگ‌ترین شهرهای منطقه پس از کرج، یعنی اسلامشهر، قدس، قرچک، پاکدشت و... حاشیه‌نشین‌هایی بوده‌اند که به صورت غیررسمی شکل گرفته و بعداً به شهر تبدیل شدند. خارج از ۴۷ نقطه شهری در حال حاضر ۱۷ مرکز حاشیه‌نشین که هریک بیش از ده هزار نفر جمعیت دارند در انتظار نوبت شهرشدن هستند. (وزارت کشور ۱۳۸۳)

حاصل این‌که امروز اسکان حدود ۷/۵ میلیون نفر در شهر تهران و ۴/۹ میلیون نفر جمعیت در بقیه شهرها و آبادی‌های اطراف تهران و حجم عظیم سرمایه‌گذاری‌ها و پروژه‌های بزرگ خدماتی و ایجاد شهرهای جدید در شعاع ۳۰ تا ۶۰ کیلومتری شهر تهران به خوبی نشان می‌دهد که مسأله، دیگر فقط محدوده مناطق ۲۲گانه تهران نیست و شکل‌گیری مجموعه شهری تهران واقعیتی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

۴-۱- از تهران تا عهد ناصری تا ایجاد شهرک‌های اطراف آن

انقلاب شگفت‌آوری که در چند دهه اخیر در شهر تهران در حال رشد، از آغاز دوره پهلوی، به وقوع پیوسته است از شهر کوچک ۱۵ هزارنفری آغامحمدخان قاجار در سال‌های ۱۷۸۵ (۱۲۰۴ هـ ق) و ۶۰ تا ۸۰ هزار نفری ربع اول قرن نوزدهم و ۲۱۰ هزارنفری دهه‌های آغازین (۱۹۲۲) قرن بیستم شهری غول‌پیکر و متروپل بزرگ ایران امروزی را به وجود آورده است. (دوپلانول، سهامی ۱۳۵۸)

این شهر ضمن توسعه خارق العاده در مقر شهری، در مدت کمتر از بیست سال، شعاع گسترش فضایی خود را در خارج از محدوده و مقر طبیعی به اراضی دور و نزدیک و جوامع انسانی یا وابسته به این مکان شهری، رسانده و به جای یک نقطه شهری با ویژگی‌های خاص شهرهای ایرانی و اسلامی، یک فضای شهری Agglomeration با مجموعه شهرک‌های وابسته و پیوسته به خود به وجود آورده است. در جریان یک دوره انتقال از جامعه روستایی به جامعه شهری که از ویژگی‌های کشورهای در حال توسعه است، با تداوم مهاجرت روستاییان در سایه توسعه اقتصادی با ویژگی‌های تمرکز بیشترین سرمایه‌گذاری‌های ملی در پایتخت، شهر تهران با جذب صنایع، خدمات و تجارت، چشم‌انداز هولناکی را در آینده نه‌چندان دور تصویر می‌کرد. به‌طوری که مسئولین و کارشناسان شهری را به برنامه‌ریزی و ایجاد شهرک‌هایی که ممکن بود جوابگوی قسمتی از نیازها و مسائل مربوط به شهر تهران باشد، ترغیب کرد. در راستای این اندیشه و به موازات گسترش روزافزون تهران و افزایش بیش از حد جمعیت، خودبه‌خود زمینه پیدایش کوی‌ها، محلات و شهرک‌های اطراف تهران فراهم شد.

به دنبال گسترش فضایی شهر تهران که نتیجه واقعی قطعه‌بندی‌های اولیه زمین‌های اطراف به مقیاس وسیع در شرق و شمال شرق تهران بود و احداث چهارصد دستگاه در فاصله سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ و با تجربه‌های مشابه در سال‌های ۱۳۳۸ در نارمک، تهران‌نو، تهران‌پارس (مفخم پایان ۱۳۳۵) قطعه‌بندی‌های آزاد و بزرگ در شمال، جنوب و غرب نیز ادامه یافت و مالکان جدید در حومه شمالی با قطعه‌بندی‌های آزاد به صورت پارک‌های وسیع مسکونی، زمینه را برای جابه‌جایی مرکز ثقل و عوامل حیاتی به جانب شمال فراهم آوردند. قطعه‌بندی‌های املاک خالصه و واگذاری آن‌ها به کارمندان و قطعه‌بندی‌های کوچک در جنوب برای توده مردم و بورس‌بازی گسترده روی زمین‌های شهری، گسترش فضایی بیشتر شهر را فراهم کرد. بدین ترتیب شهر تهران با یک مساحت تقریبی ۱۳ کیلومترمربعی در زمان ناصرالدین شاه (۱۲۷۹) به ۱۸۱ کیلومترمربع و در محدوده ۲۵ ساله مساحتی قریب به ۶۳۰ کیلومترمربع را به خودش اختصاص می‌دهد. روند تحولات تصرف اراضی در یک مقطع زمانی ۶۰ تا ۷۰ ساله با یک رشد فزاینده ولی در عین حال قابل تجسم در یک بافت نسبتاً پیوسته در اطراف دیوارها و دروازه‌های اولیه شهر تهران ادامه یافت و فقط قسمتی از فعالیت‌های شهری در بیابلات شمال تهران خارج از این مجموعه، متمرکز شده بود. و مقر شهری بدون دست‌اندازی قابل توجه به جوامع انسانی پیرامونی و پسرانه‌های اولیه شهری به گسترش لاینقطع و سریع بافت فیزیکی خود ادامه می‌داد. در ۲۰ تا ۳۰ ساله اخیر اراضی پیرامونی و چهره جوامع روستایی نواحی اطراف شهر، به‌طور بی‌سابقه‌ای تحت‌تاثیر امواج توسعه اقتصادی - اجتماعی و افزایش جمعیت و هجوم گسترش فضایی شهر تهران قرار گرفته و منجر به پیدایش کوی‌ها، محلات و شهرک‌ها و منظره تغییر شکل یافته جوامع روستایی، تحت نظام اقتصادی - اجتماعی تهران، شده است. توسعه شهر تهران طی چند دهه گذشته به گونه‌ای بود که مرزهای اصلی خود را پشت‌سر گذاشته و در وهله اول نواحی مزورعی حاشیه‌ای و در مرحله دوم روستاهای نزدیک را یکی پس از دیگری در خود حل کرده و سپس به علت نیاز روزافزون به واحدهای مسکونی جدید، به علت افزایش جمعیت و نیازهای مراکز تولیدی، کوی‌ها، شهرک‌ها و مناطق مسکونی جدیدی بدون برنامه یا برنامه‌ریزی در حواشی به وجود آمده‌اند.

۴-۲- تهران و جوامع روستایی

واگرایی شهرهای بزرگ و گاه میانی و به‌ویژه تهران پدیده قابل توجهی است که در دو دهه اخیر در کشور ما اتفاق افتاده است شهر تهران که در دهه‌های قبل از سال ۱۳۵۵ رشد قابل توجهی داشته است به تدریج کاهش چشم‌گیری پیدا کرده است. تهران در سه دهه بعد از ۱۳۳۵ به بعد به ترتیب ۷/۵، ۹/۴، ۹/۲ درصد افزایش جمعیت داشته است که کاهش رشد جمعیت شهری را نشان می‌دهد و این کاهش در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ به ۲ درصد و در سال ۷۰ تا ۷۵ به ۱/۵۸ درصد تنزل پیدا کرده است.

مسلماً این واگرایی و کاهش جمعیت شهر تهران علیرغم افزایش جمعیت منظومه شهری تهران حاصل مکانیزم‌های زیر است:

۱- شهر تهران مرکز خدمات تخصصی و تجاری عمده و سودآور گشته است. تمرکز سرمایه حاصل از آن در منطقه شهری و فوق‌ترکز فضایی آن مسائلی را به وجود آورده است که نیروی کار مورد نیاز کلان‌شهر امکان سکونت در آن را پیدا نمی‌کند. در برابر این مسئله شهرها و سکونتگاه‌های کوچک درون منطقه در فاصله معقولی که رفت و آمد روزانه فراهم باشد و در موردی نیز در فاصله‌های نه‌چندان معقول برای این گروه از نیروی کار در منطقه کلان‌شهر مسکن مناسب را عرضه می‌دارد.

۲- در نواحی دیگر کلان‌شهر که گاه نیز در فواصل دورتر از محل‌های عرضه مسکن است نواحی اشتغال به وجود می‌آید که خود حاصل گران‌شدن زیرساخت‌ها و به صرفه‌نبودن ایجاد این‌گونه مراکز در کلان‌شهر است.

۳- شهروند منطقه کلان‌شهر اغلب بدون گذر از آن شهر رویایی در منطقه کلان‌شهر از نقطه ای که برای سکونت برگزیده به نقطه دیگری که هم از محل سکونت و هم از شهر موعود دور است در رفت و آمد است و گاه سال‌ها برای استفاده از مزایای کلان‌شهر به این شهر نمی‌آید و تنها از امکان اشتغال در منطقه آن بهره‌مند می‌گردد، و این برای او در مقابل بیکاری در روستا یا شهرهای کوچک مزیت و برتری می‌باشد. (حسامیان، اعتماد ۱۳۷۵)

حاصل این روند پیدایش پدیده منطقه شهری، کلان‌شهر یا منظومه شهری تهران است که همانا از نفوذ در جامعه روستایی از طریق جلب مهاجرین برون‌منطقه‌ای و افزایش جمعیت نقاط شهری پیرامونی حاصل می‌شود.

گسترش روابط تهران با مناطق دیگر کشور و شهرهای بزرگ و کوچک عملکرد شهری آن را افزایش داده و در نتیجه نیازهای فضایی درون شهری را بالا می‌برد. محدودیت فضایی موجود در درون شهر، فشارهای ناشی از آن را در نخستین مرحله به شهرها و روستاهای مجاور تهران منتقل می‌سازد. تشدید چنین مکانیسمی اثرات متفاوتی بر روی نواحی روستایی از نظر کالبدی و جامعه‌شناختی برجای می‌گذارد.

هنگامی که شهرهای اطراف به نوبه خود با بحران فضایی مواجه می‌شوند، روستاهای واقع در فواصل دور و نزدیک به این شهرها یا تهران مورد توجه قرار می‌گیرند. از سال ۱۳۴۵ روند تشدید توسعه تهران و کرج به‌طور چشم‌گیری روستاهای مجاور را تحت تأثیر قرار داده است. در این فاصله سیمای بسیاری از نقاط روستایی سابق به تبعیت از افزایش جمعیت دگرگونی وسیعی پیدا کرده است. در این راستا نه فقط جمعیت روستای

آبادی‌های موجود افزایش یافته، بلکه تعدادی آبادی جدید نیز به وجود آمده که برخی از آن‌ها در روند تکاملی خود امروزه به شهر تبدیل شده‌اند. مطالعه موردی در نمونه روستاهای حوزه اسلام شهر نشان می‌دهد که از مجموع ۴۲ آبادی واقع در حوزه نفوذ این شهر ۳۳ آبادی دارای قدمت بیش از ۲۰ سال، ۳ آبادی با قدمت بین ۱۰ تا ۲۰ سال و ۶ آبادی با قدمت کمتر از ۱۰ سال در این حوزه وجود دارد. (رهنمایی ۱۳۶۹)

نکته قابل توجه در این مطالعه رابطه میان نقش روستا و بزرگی آن است. روستاهایی که جمعیت بیشتری دارند، یعنی روستاهای ۵ تا ۱۰ هزار نفری اغلب محل سکونت کارگرانی هستند که در واحدهای صنعتی محور کرج یا ساوه شاغلند و در جستجوی مسکن ارزان به این روستاها روی آورده و در نتیجه جریان بورس‌بازی زمین‌های روستایی، در این نقاط ساکن شده‌اند. در حالی که روستاهای کوچک عمدتاً محل سکونت افراد بومی بوده و در مواردی افراد دیگری از مهاجرین به تهران در این جا سکنی گزیده‌اند. (نقشه ۱)

۵- ارزیابی و سیاست‌های کلی

تحلیل‌های نظری

۵-۱- با استنتاج از برخی تجارب جهانی طرح کالبدی منطقه کلان‌شهری با توجه به عوامل مختلف امکان‌پذیر است.

بیشتر کلان‌شهرها در مفهوم عام کالبدی- فضایی خود از یک نظام چندساختی تو در تو و پیچیده تشکیل شده است که هم عناصر و بافت‌های پیوسته و هم عناصر و بافت‌های ناپیوسته را در بر می‌گیرد. اکثر کلان‌شهرها از یک نظام سلسله مراتبی سیستمی برخوردارند که می‌توان از آن به صورت مادرشهر، مجموعه شهری و منظومه شهری نام برد.

برنامه‌های راهبردی و سیاست‌های راهبردی کلان‌شهرها هم پیوندی در زمینه جمعیت و فعالیت، زمین، زیربنا، تأمین سرمایه و نهادهای اداری را مطرح می‌نماید. بدین ترتیب طرح مسأله کلان‌شهری توجه به مسائل زیر را ضروری می‌سازد:

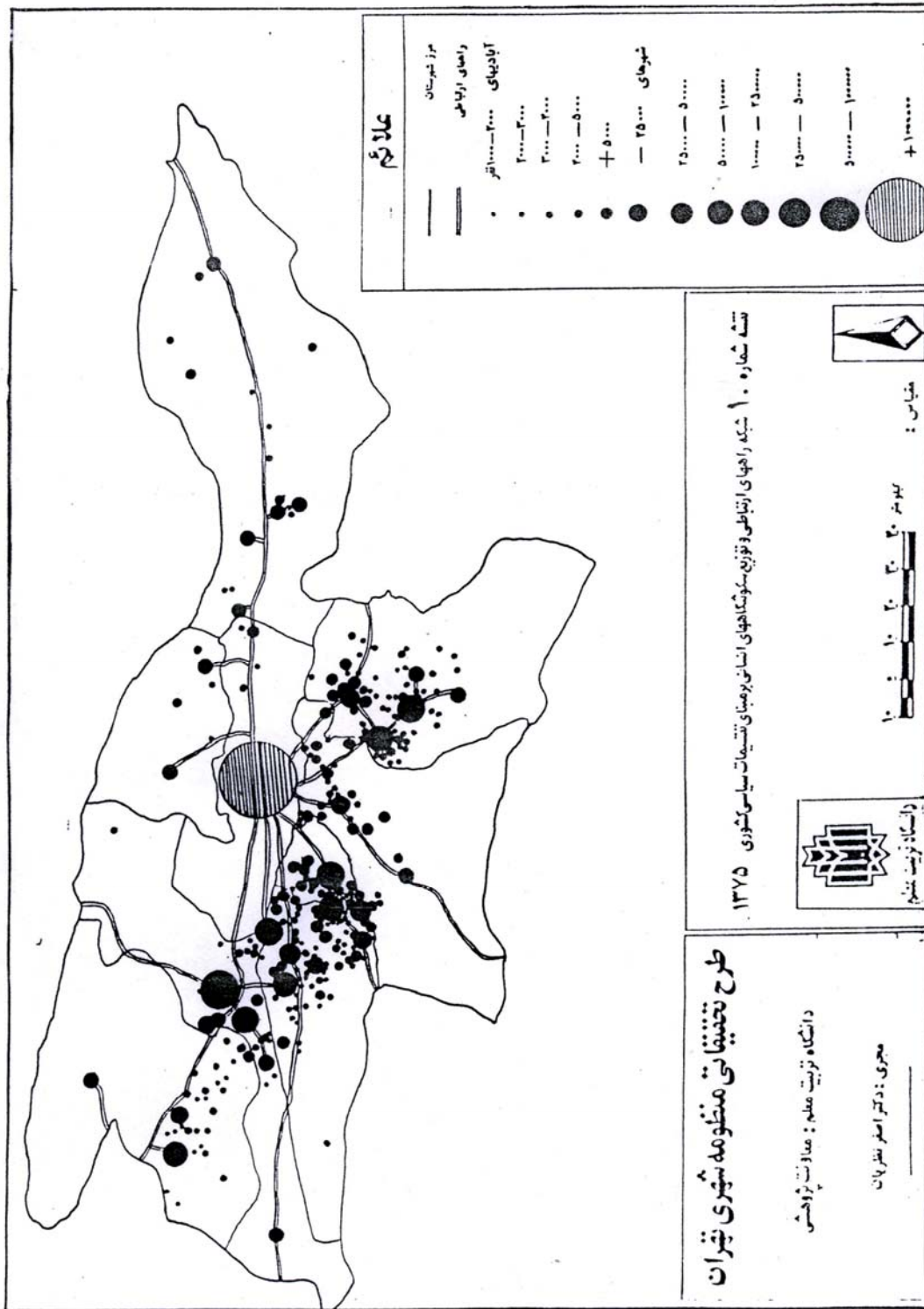
۱- ساختار اجتماعی

۲- ساختار اقتصادی

۳- ساختار کالبدی

۵-۲- سیاست‌های راهبردی در طرح‌های کالبدی کلان‌شهرهای جهان

تدوین سیاست‌هایی در زمینه برنامه‌ریزی، ساماندهی و مدیریت کلان‌شهرهای جهان از سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم در جهان شروع شده است. هریک از کشورهای پیشرفته به نوعی با این پدیده برخورد کرده‌اند و در این میان کشور انگلستان اولین کشوری بود که بعد از جنگ جهانی دوم سیاست ایجاد شهرهای جدید و اقماری را در ورای کمربند سبز این شهر اجرا کرده است و به تدریج که تحولات جدید در کشورها به وجود آمد و زمینه‌های واگرایی شهری فراهم شد سیاست‌های خاصی توسط کشورهای دیگر نیز اعمال شد علیرغم این که نمونه‌هایی از پیش برنامه‌ریزی شده نیز در کشورهای سوسیالیستی به ظهور رسیده بود ولی در



دهه‌های اخیر سرعت رشد کلان‌شهرها و شهرهای متروپل در کشورهای جهان سوم مسأله کنترل و اعمال سیاست‌های راهبردی در مورد کلان‌شهرهای جهان را مورد توجه بیشتر قرار داده است.

نتایج نامطلوب روند نابسامان اسکان جمعیت و فعالیت‌ها در شهرها و آبادی‌ها، خسارت‌ها و عوارض نامطلوب متعدد اجتماعی اقتصادی و زیست‌محیطی، کیفیت نازل مسکن در مراکز جمعیتی پیرامون، تشدید جدانشینی گروه‌های کم‌درآمد و تمرکز فقر در حاشیه شهرهای جهان سوم، تخریب اراضی، نزول مداوم کیفیت محیط کالبدی و اجتماعی شهرها، کاهش کارایی و بهره‌وری اقتصادی از مسائلی هستند که امروز گریبانگیر شهرهای بزرگ به خصوص شهرهای جهان سوم شده است.

در مقابل چنین وضعیتی کشورها به سیاست‌های متفاوتی دست زده‌اند. بررسی‌های کالبدی جدید مناطق کلان شهری جهان نشانگر آن است که برخی از سیاست‌های راهبردی مورد پذیرش گسترده واقع شده و در صورت تکرار مسأله راه‌حل مشابهی به کار گرفته می‌شود. سیاست‌های راهبردی زیر نمونه‌هایی است از آنچه که در کشورهای مختلف به نوعی مورد استفاده قرار گرفته و در مدیریت و طراحی کالبدی کلان‌شهرها مدنظر بوده است.

الف: تعدادی از نظریات در طرح‌های کالبدی کلان شهرهای جهان با نظریات توسعه منطقه ای و با دیدگاه فضایی که در آن اصالت‌دادن به نظام استقرار سکونتگاه‌ها در فرآیند توسعه، حد متوسطی از درصد تمرکز گرایی مانند قطب رشد و تمرکززدایی مانند منظومه کشت شهری را برگزیده و یا تمرکززدایی یا تجمع را پیشنهاد کرده‌اند. بدین معنی کلان‌شهرها در مجموعه‌های منطقه‌ای و در وابستگی به نظام‌های پیرامونی تحت یک نظام و سیستم منطقه‌ای ملاحظه شده است. در این رابطه نظریات نظام سلسله‌مراتبی سکونتگاه‌های پیرامونی در ارتباط با شهر مرکزی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. در حقیقت پدیده واگرایی روزبه‌روز از تراکم مرکزی کاسته و به اعتدال پیرامونی می‌افزاید. بدین ترتیب نظریاتی که در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای از نظریه مکان مرکزی گرفته تا نظام سلسله مراتب سکونتگاهی، ایجاد پیوندهای عملکردی با حوزه‌های روستایی و مرکز و پیرامون به نوعی می‌توانند در سیاست‌های راهبردی مجموعه‌های شهری موثر واقع شوند. هر یک از این نظریات بر حسب موردی که شرایط جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریت شهری ایجاب می‌کند ممکن است مورد توجه قرار گیرد. (نظریان ۱۳۶۰)

ب: علاوه بر سیاست‌های راهبردی کلان، سیاست‌های راهبردی خاص نیز در مجموعه‌های شهری و منطقه کلان‌شهری می‌تواند اعمال شود که هر کدام از آن‌ها بر حسب شرایط زمانی و مکانی بر حسب مورد می‌توانند راه‌حل‌های منطقی در نظم‌دهی و طرح‌های کالبدی ارائه نمایند. از آن جمله:

- ۱- کاهش تراکم بخش مرکزی کلان‌شهری
- ۲- توسعه راه‌های ارتباطی و تقویت نقش حمل و نقل همگانی
- ۳- ایجاد تناسب جمعیتی و اشتغال و خودکفایی سکونتگاه‌ها
- ۴- کنترل و توسعه فضایی شهر
- ۵- تقویت روابط اجتماعی و ارتقای احساس شهروندی
- ۶- تقویت موقعیت برتر ملی و منطقه‌ای با توجه به تفکر جهان‌شهری
- ۷- تقویت حفظ محیط زیست و برقراری توسعه پایدار شهری

۵-۳- نتیجه و سیاست‌های راهبردی در کلان‌شهر تهران

جریان توسعه پیوسته و حومه‌ای در کلان‌شهرها یک پویای کامل شهرنشینی است که از دهه ۱۹۵۰ تاکنون در جهان روبه‌فزونی نهاده است. در دهه‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ روند توسعه اغلب کلان‌شهرهای جهان مورد پژوهش‌های وسیع قرار گرفته و ریشه‌های این نوع توسعه تحلیل و ارزیابی شده است. پارامترهای اصلی ساختار کلان‌شهری مشخص شده است. اغلب این پارامترها و روندهای اقتصادی اجتماعی به ویژه بیکاری، تورم و روندهای مربوط به حرکات جمعیتی است. نتایج تمام این تحقیقات مفهومی به نام واقعیت کلان‌شهری را مطرح می‌سازند و پارادایم یا الگویی از توسعه را تحت عنوان «انفجار مادرشهری» ارائه می‌دهند. پدیده انفجار به بیرون شهر شکل می‌گیرد و به تدریج کهکشانی از ساختارهای پراکنده و گسیخته در پهنه وسیع منطقه شهری اطراف ظهور می‌کند. پیامد این پدیده جداافتادگی کارخانه و خانه (محل کار و محل زندگی) از همدیگر، افزایش فاصله و مزایای تردهای شهری و فزونی آلودگی محیط است. (سعیدنیا ۱۳۷۰)

در کلان‌شهر تهران، ساختار فضایی کلان‌شهر بازتابی از تعامل تعدادی نیروی درونی مانند قیمت زمین و ساختمان و نیروهای بیرونی مانند مهاجرت و سرمایه‌گذاری است. رابطه و همکاری عوامل درونی با عوامل بیرونی اشکال مختلف محیط‌های زندگی و کار را در منطقه شهری پدید آورده است. نتیجه نهایی این تعامل تثبیت یا تشدید جدایی‌گزینی اجتماعی است. بدین معنی که سرمایه‌گذاری در صنایع، حمل و نقل، انبارداری، توریسم و مانند این‌ها و همین‌طور سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان در حوزه کلان‌شهر و در امتداد جاده‌های ملی و منطقه‌ای دارای بالاترین بازده اقتصادی است. از سوی دیگر گرانی زمین و ساختمان برای اسکان حتی در نواحی حاشیه‌ای شهر مرکزی گروه‌های کم‌درآمد و کارکنان و فعالیت‌های یادشده را مجبور به سکونت در روستاها و شهرک‌های نزدیک به مراکز فعالیت می‌کند و به تدریج تعداد بی‌شماری روستاشهر و شهرک‌های خودروی حاشیه‌ای در حوزه پیرامونی شهر مرکزی پدید آمده و روبه توسعه می‌گذارد. رابطه حیاتی بین مراکز اشتغال صنعتی، معدنی و دامداری، اقشار کم‌درآمد و کارکنان تولیدی و خدماتی مبنای انفجار فضایی مادرشهر تهران محسوب می‌شود.

از طرف دیگر مکانیزم اجتماعی- اقتصادی تحت تأثیر خط‌مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولتی و نهادهای عمومی تشدید شده و توسعه کلان‌شهری در فرآیند سیاسی- اداری پدید می‌آید که به اندازه فرآیند اجتماعی- اقتصادی و فرآیند فیزیکی در انفجار کلان‌شهر موثر است.

تجربه ۷۰ ساله تهران حاکی از این پویای است. در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ در جریان صنعتی‌شدن و مدرنیزه‌شدن تهران تمام صنایع جدید در بیرون از محدوده اصلی شهر در جنوب، شرق و غرب تهران احداث شدند. در همین زمان ایستگاه راه‌آهن، گمرکات، بنگاه‌های باربری و گاراژها در دروازه‌های جنوبی و سه فرودگاه اصلی (مهرآباد- قلعه‌مرغی- دوشان‌تپه) نیز در پیرامون جنوب، شرق و غرب تهران احداث شدند. شهر تهران ضمن توسعه خارق‌العاده در مقر شهری در مدت کمتر از بیست سال شعاع گسترش فضایی خود را در خارج از محدوده و مقر جمعیتی به اراضی دور و نزدیک و جوامع انسانی متکی یا وابسته به این مکان‌های شهری رسانده و به جای یک نقطه شهری با ویژگی‌های خاص شهرهای ایرانی- اسلامی بنیان

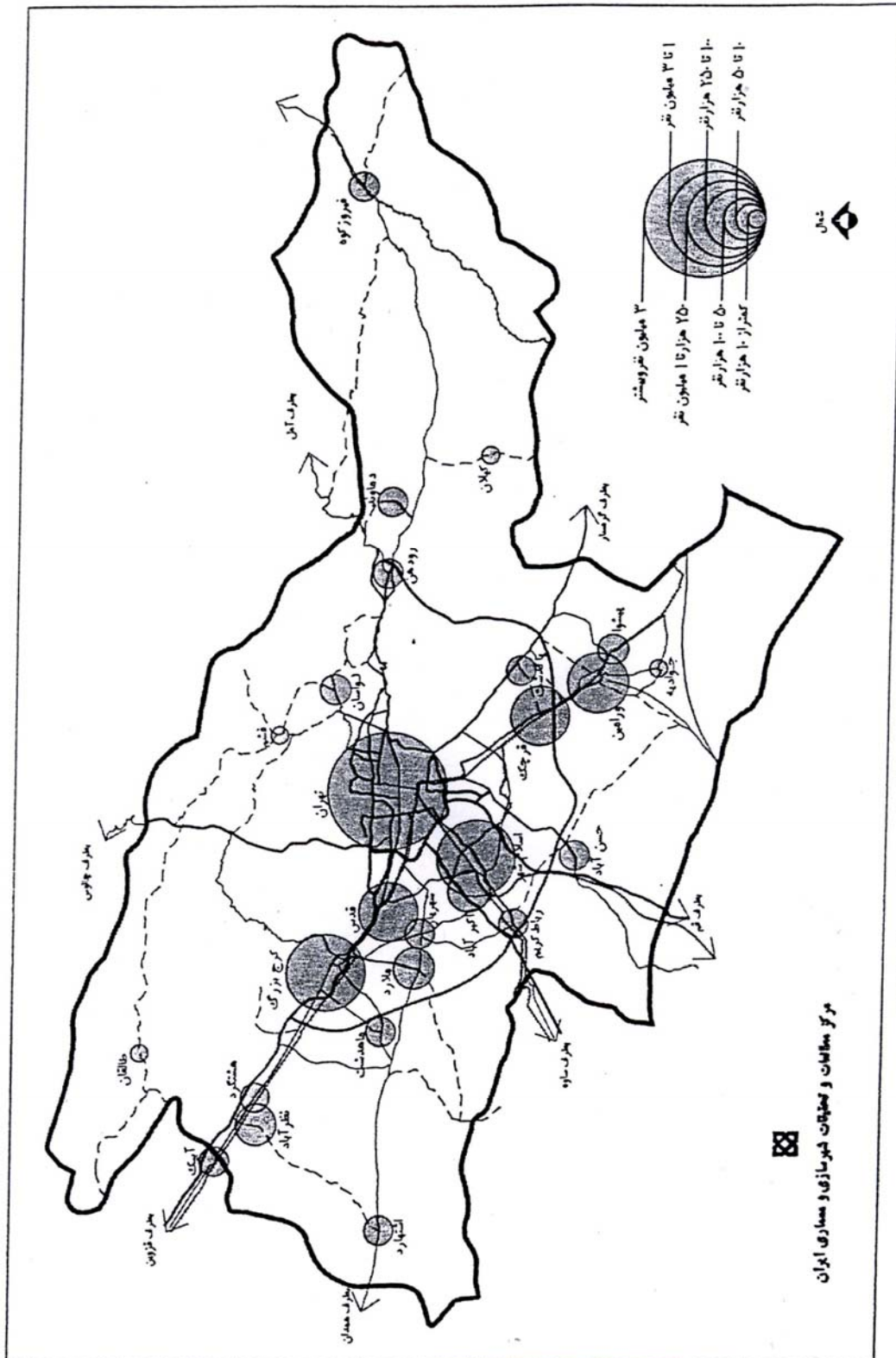
یک فضای شهری Agglomeration را پی‌ریزی کرد. (نظریان ۱۳۸۰)

به دنبال گسترش فضایی شهر تهران که نتیجه واقعی تحولات کارکردی شهر تهران بود قطعه‌بندی‌های اولیه زمین‌های اطراف در مقیاس وسیع در شرق، شمال شرق بیشتر برای طبقات خدماتی و متوسط در غرب و جنوب برای طبقات کارگر به انجام رسید. مناطق چهارصد دستگاه، نارمک، تهران نو، تهران پارس و قطعه‌بندی‌های آزاد و بزرگ در شمال و شرق به محدوده تهران اضافه شد و محلات کارگرنشین جوادیه، نازی‌آباد در جنوب و سلسبیل و فلاح در غرب شکل گرفت و نهایتاً محلات جدید در شمال غرب شامل گیشا، شهرآرا، یوسف‌آباد، بهجت‌آباد، شهرک غرب (قدس) به محدوده تهران اضافه شدند. تعدادی از این محلات جدا از پیکر اصلی شهر شکل گرفته‌اند و این جریان در دهه پنجاه گسترش وسیعی یافت و دامنه آن در سال‌های ۶۰ به حومه‌ها و گسیختگی بافت‌ها حومه‌ای به شعاع ۴۰ تا ۵۰ کیلومتری تهران کشانده شد. البته انگار گونه (پارادایم) انفجار مادرشهری و گسیختن فضایی و مکانی نه تنها در مفهوم کالبدی بلکه در مفهوم اجتماعی آن نیز شکل گرفت با این همه به تدریج پیوستگی شکل گرفته و عناصر پراکنده در حاشیه مادرشهر به همدیگر متصل و نهایتاً به مجموعه مادرشهر پیوستند. بدین ترتیب روند تحولات تصرف اراضی پیرامون مادرشهر در یک مقطع زمانی ۶۰ تا ۷۰ سال ابتدا به یک رشد فزاینده ولی در عین حال قابل تجسم در یک بافت نسبتاً پیوسته در اطراف دیوارها و دروازه‌های اولیه شهر تهران منجر شده و مقر شهری بدون دست‌اندازی قابل توجه به جوامع انسانی پیرامون و پسرانه‌های اولیه شهر به گسترش لاینقطع و سریع بافت فیزیکی جدید خود ادامه می‌داد.

از این زمان به بعد به تاثیر توسعه شبکه راه‌های ملی و منطقه‌ای که تهران را به سایر نقاط کشور متصل می‌کرد و همچنین استقرار صنایع جدید و سایر فعالیت‌هایی که به زمین وسیع و ارزان احتیاج داشتند در اطراف تهران و نیز انتقال بعضی از فعالیت‌های مزاحم شهری به خارج از شهر و علاوه بر این‌ها محدودیت‌های پیش‌بینی شده در طرح جامع مصوب، شهرها و آبادی‌های واقع در اطراف شهر تهران به سرعت روبه گسترش نهاد.

در مدت زمان کوتاهی در مرحله اول حدود ۱۵ شهرک در اطراف تهران و ۳۲ شهرک در اطراف کرج ایجاد شدند. تا سال قبل از تصویب طرح جامع ۲۹ آبادی در شمال، ۲۸ آبادی در شمال شرق، ۱۲ آبادی در شمال غرب و ۸ آبادی در جنوب در محدوده شهری تهران ادغام شدند. آبادی‌های دیگری نیز از جهات مختلف شهر تهران در داخل محدوده ۲۵ ساله در سال‌های بعد به محدوده تهران اضافه شدند از آن جمله ۱۱ آبادی در شمال، ۱۶ آبادی در شمال شرق و شرق، ۲۴ آبادی در شمال غرب و غرب و ۲۰ آبادی در جنوب می‌باشد و جمعاً ۱۴۸ آبادی در محدوده فضایی شهر تهران قرار گرفتند. (نظریان ۱۳۷۰)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی زمینه‌های گسترش فضایی تهران به دنبال تصمیم‌گیری‌های مقطعی، مشکلات جنگ، مشکل اخذ مجوز مسکن احتیاج روزافزون سازمان‌ها و نهادهای انقلابی به زمین، توسعه و گسترش شرکت‌های تعاونی مسکن و... فراهم‌تر و نابسامانی‌ها افزایش یافت. در ادامه روند اشغال اراضی اطراف شهر تهران روستاهای نزدیک و مزارع اطراف آن‌ها، زمینه‌های تغییرات اقتصادی و اجتماعی پیرامون تهران نیز فراهم گردید.



بدین ترتیب کانون‌های جمعیتی جدیدی حول راه‌های ارتباطی، مراکز جمعیتی و روستاهای پیرامونی شکل گرفتند. تعداد شهرها افزایش پیدا کرد و به تدریج منطقه کلان‌شهری یا منظومه و مجموعه شهری تهران و اطراف آن شکل گرفت. (نقشه ۲)

آمار نشان می‌دهد که طی سه دهه گذشته در حالی که جمعیت محدوده قانونی شهر تهران حدود ۲/۵ برابر شده و از ۲/۷۲ به ۶/۷۶ میلیون نفر رسیده است جمعیت بقیه استان تهران ۴/۵ برابر شده و از حدود ۷۳۶ هزار نفر به ۳/۵۹ میلیون نفر افزایش یافته و سهم تهران و جمعیت استان از حدود ۷۹٪ در سال ۱۳۴۵ به ۶۵٪ در سال ۱۳۷۵ کاهش پیدا کرده است. (مرکز آمار ۱۳۷۶) بدین ترتیب تهران به صورت یک حوزه زیستی کلان، مجموعه‌ای که بیش از هر شهر و هر منطقه دیگر ایران بحران‌ها و تضادهای توسعه را تجربه می‌کند حاصل شد. این توسعه به‌طور خلاصه با ویژگی‌ها و مشکلاتی به شرح زیر همراه بوده است:

- ۱- گسیختگی کالبدی
- ۲- گسیختگی و تمایزات در روند اجتماعی
- ۳- نابسامانی فعالیت‌ها و چشم‌انداز اقتصادی
- ۴- اثرات زیست‌محیطی توسعه

۶- نتیجه‌گیری و طرح‌های راهبردی منظومه شهری تهران

شهر تهران به دنبال ایجاد عدم تعادل در سطح ملی با ایجاد منطقه کلان شهری باعث ایجاد ناهماهنگی‌هایی در سطح منطقه نیز شده است. نظم فضایی منطقه که در پیوستگی کامل با تهران و در ارتباط با نظم ملی شکل گرفته است، اختلاف در نظم اجتماعی را نیز موجب می‌شود. بدین ترتیب قابلیت منطقه در جذب نیرو و جمعیت اضافی و نظم کالبدی از دیدگاه‌های مختلف زیر سؤال می‌رود.

به‌طور کلی منطقه شهری تهران و منظومه‌های جمعیتی مهم مجموعه به جز تا حدودی کرج، همگی علیرغم داشتن آستانه‌های جمعیتی بالا از امکانات و خدمات و زیربنای شهری مناسب محروم می‌باشند و از لحاظ کالبدی نیز دچار گسیختگی و پراکندگی هستند. با توجه به گرایش‌های واقعی مکان‌گزینی جمعیت و فعالیت، ضرورت دارد که به ساماندهی و ایجاد ظرفیت در منظومه‌های سکونت با استفاده از حداکثر امکانات بالقوه آن‌ها پرداخته شود و ضمن تقویت منظومه شهری تهران، ایجاد حداکثر خودکفایی نسبی برای آن‌ها فراهم گردد. (طرح مجموعه شهری تهران ۱۳۷۹)

بدین ترتیب در راستای نیل به اهداف اصلی در ساماندهی منظومه شهری تهران سیاست‌ها و راهبردهایی باید تدوین گردد که اهم آن‌ها به شرح زیر است:

- ۱- سیاست راهبردی طرح کالبدی
- ۲- سیاست‌های راهبردی اجتماعی - اقتصادی اسکان جمعیت و فعالیت‌ها
- ۳- ایجاد مدیریت واحد تمرکز با حفظ نظام سلسله‌مراتبی
- ۴- سیاست‌های راهبردی در برنامه‌های عمرانی و حمل و نقل
- ۵- حفاظت از محیط زیست و توسعه فضاهای باز و سبز

منابع

۱. مکچی، حمیده، شهرهای میانه، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۲.
۲. حسامیان، اعتماد و حائری‌زاده، شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۳. دوپلانول، گزاویه، تحول شهر تهران از صورت یک شهر اسلامی به صورت یک متروپل ایرانی، جغرافیای انسانی شمال ایران ترجمه دکتر سیروس سهامی، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۵۵.
۴. رهنمایی، محمدتقی، توسعه تهران و دگرگونی در ساختارهای نواحی روستایی اطراف، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۱۶، بهار ۱۳۶۹.
۵. سعیدنیا، احمد، ساختار ناسازگار تهران، مجله معماری و شهرسازی شماره ۳۵ و ۳۶.
۶. شالین، کلود، دینامیک شهری یا پویایی شهرها، ترجمه اصغر نظریان، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.
۷. شهرداری، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چکیده طرح جامع تهران، ۱۳۷۷.
۸. فرید، یداله، جغرافیا و شهرشناسی، انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۶۸.
۹. مفخم‌پایان، لطفاله، محله چهارصد دستگاه، سال‌نامه دبیرستان قوام، سال ۳۵-۱۳۳۴.
۱۰. مهدی‌زاده، جواد، مفهوم گستره منظومه شهری تهران، مجله معماری و شهرسازی، شماره‌ها ۳۶ و ۳۷.
۱۱. نظریان، اصغر، گسترش فضایی شهر تهران و پیدایش شهرک‌های اقماری، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۰، ۱۳۷۰.
۱۲. _____: نظام سلسله‌مراتبی شهرهای ایران، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۲، بهار ۱۳۷۳.
۱۳. _____: تهران و پیرامون، معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۷۸.
۱۴. _____: شهرهای آینده، کانون فاجعه انسانی یا بستر تعامل فرهنگی - فضایی جغرافیایی، دانشگاه آزاد اهر، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۰.
۱۵. وزارت کشور، معاونت سیاسی، دفتر تقسیمات سیاسی، ۱۳۸۳.
۱۶. وزارت مسکن و شهرسازی، طرح مجموعه شهری تهران، اردیبهشت ۱۳۷۸.
۱۷. _____: مجموعه شهری تهران، گزیده مطالعات جمعیتی، ۱۳۸۲.
18. DUPAQUER-J.F: Demain de la revolution urbaine-L'evenement de jedi 22 Des ... 1990 au janvier, 1994.
19. PUALET.J-P: Geographie Urbaine, Armand Colin-Pais, 2000.
20. UNITED-NATION: World Urbanization Prospect, 1994, Revision NOW-York, 1995.